

## بسم الله الرحمن الرحيم

### قربانی کردن جان، مال و وقت؛ از مهم‌ترین صفات حامل دعوت!



#### (ترجمه)

یقیناً حمل دعوت، کاری بسا بزرگ و مسیری مملو از سختی‌ها و دشواری‌هاست که این مسیر را قبلاً رسول الله صلی الله علیه وسلم و اصحابش رضوان الله علیهم پیموده و برای پسینیانی که به این دعوت ایمان آورده اند، به ارث گذاشتند تا این که بندگان را از بندگی بندگان بیرون آورده و بسوی بندگی رب بندگان (الله سبحانه و تعالی) سوق دهند. سختی و دشواری این مسیر را کسی تحمل می‌کند که نفس خود را به صفات نیکی که حامل دعوت به آن آراسته است، خود را با آن تربیه و عادت داده باشد که از جمله مهم‌ترین آن صفات، قربانی کردن است.

هدف از قربانی کردن: هدیه دادن چیزی بدون عوض است؛ مانند: قربانی کردن جان، مال، کار، وقت، مقام، علم، منصب و... تا این که انسان تصور کند، در چیزهایی که از نیازهای ضروری اش اضافه است، حق ندارد؛ پس در تقدیم آن بدون عوض و بدیل مادی به عنوان پاداش قربانی و هدیه اش به دست آورد، تلاش خود را به خرج داده و در مقابل تمام تلاش‌ها و قربانی‌هایش، رضایت الله سبحانه و تعالی و یاری نمودن دینش را بخواهد؛ چون آرزو و خیال‌پردازی انسان را به مقام‌های والا نمی‌رساند. هم‌چنان دعوت‌ها نیز بدون قربانی‌ها و فداکاری‌ها به پیش نمی‌رود. هرگاه دانسته شود که ابتلاء قرار گرفتن حاملین دعوت یک سنت دیرینه است، پس این را باید دانست که دعوت حق، بدون قربانی به پیش نمی‌رود.

قربانی کردن جان: صفتی است که باید هر حامل دعوت خود را به آن آراسته نموده و به انواعی آزار و اذیت‌ها همانند شکنجه، تکذیب، پی‌گیری، قطع درآمدی پول، زندان و سخت‌گیری در تمامی نواحی زندگی آماده باشد، حتی اگر این آزاد و اذیت به مرگ نیز

بینجامد. الگوی حامل دعوت در این مسیر انبیاء و پیامبران علیهم السلام و اصحاب رضی الله عنهم می‌باشند؛ زیرا پیامبر بزرگوارمان حضرت محمد صلی الله علیه وسلم در راه رساندن دعوت خود از آزار و اذیت مشرکین در امان نماند و از هنگامی که به کوه صفا بلند شد، خویشاوندان نزدیک خود را بیم داد، مورد انواع آزار و اذیت‌ها قرار گرفت، به حدی که وی صلی الله علیه وسلم را ساحر و دیوانه خواندند؛ در حالی که قبلاً به صادق و امین مشهور بود. هم‌چنان او و اصحابش را مورد سخت‌ترین نوع آزار و اذیت قرار داده و به بزرگ‌ترین آزمایش ابتلاء شدند تا این که در ایام حج از قبائل مختلف برای تبلیغ و رساندن دین الله سبحانه و تعالی طلب حمایت نمود و به طائف رفت، به امید این که به هدف مذکور خود برسد؛ اما با مملو شدن کفش‌هایش از خون از طائف طرد شد. او صلی الله علیه وسلم، اصحاب و حامیانش در شعب (دره‌ی ابی طالب) سه سال محاصره گردیدند و حتی دست به خوردن برگ‌های درختان زدند.

اصحاب کرام قربانی‌ها و فداکاری‌های بی‌شماری را در راه دعوت متحمل گردیده‌اند؛ به طور مثال: حضرات بلال، سمیه، یاسر و عمار رضی الله عنهم همه در راه الله سبحانه و تعالی شدیدترین نوع آزار و اذیت‌های بی‌شماری را متحمل شدند؛ چنانچه حضرات سمیه و یاسر در راه حمل عقیده، ایدیولوژی، طلب اجر و ثواب و جنتی که پهنای آن آسمان‌ها و زمین است، جان به جان آفرین تسلیم نمودند.

هم‌چنان مشرکین قریش حضرت عبدالله ابن مسعود را به دلیل شنواندن برخی از آیاتی که بر رسول الله صلی الله علیه وسلم وحی شده بود، شدیداً مورد لت و کوب قرار دادند تا این که خون از چهره‌اش جاری شد و او از این برخورد قریش، خوش و خورسند بود؛ زیرا او می‌دانست که متقبل شدن با این لت و کوب، نزد الله متعال برایش ذخیره و اندوخته است و حتی می‌گوید: «قسم به پروردگار! دشمنان الله در چشمانم هیچ وقت این قدر خوار و ذلیل نبودند؛ اگر خواسته باشید، فردا هم این کار را تکرار می‌نمایم. گفتند: نه، کفایت می‌کند؛ چیزی را که خوش نداشتند، برایشان شنوادی.» از این گذشته حضرت مصعب رضی الله عنه زندگی راحت، آسایش و آرامش را ترک نموده و به مدینه منوره برای حمل دعوت هجرت نمود. حضرت علی رضی الله عنه با خوابیدن در بستر پیامبر صلی الله علیه وسلم در شب هجرت، خود را در معرض خطر مرگ قرار داد. حضرت براء رضی الله عنه خود را میان دشمنان در "حدیقه الموت" پرتاب نمود و به دلیل این کارش الله سبحانه و تعالی برای مسلمانان فتح بزرگ نصیب کرد. حضرت ابو الدرداء رضی الله عنه برای همنشینی با پیامبر صلی الله علیه وسلم از تجارت کناره‌گیری کرد. حضرت خالد رضی الله عنه از منصب خود برای اطاعت از امیر المؤمنین، حضرت عمر رضی الله عنه کناره رفت و ابو عبیده رضی الله عنه برای حفظ اتحاد مسلمانان از امارت ارتش به نفع عمرو ابن عاص رضی الله عنه کناره‌گیری کرد.

پس هیچ دعوتی بدون تلاش و زحمات پیروانش منتشر نمی‌گردد و دین اسلام نیز به راحتی و بدون زحمت منتشر نشده است؛ اگر همت بلند اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم و تمامی مسلمانان نمی‌بود-که وطن خود را رها نمودند، خانواده، فرزندان و تجارت را ترک گفتند و در این راه، جان و مال خود را فدای کردند- دین اسلام به ما نمی‌رسید. آن‌ها متیقن شده بودند که مسئولیت بزرگ و وجیبه عظیمی را حمل می‌کنند و این که آنان وارثین پیامبر صلی الله علیه وسلم در رسانیدن دعوت الله سبحانه و تعالی و تطبیق

شریعت وی در دولت خلافت هستند تا این که مردم، عدالت و رحمت اسلام را مشاهده نموده و در دین الله سبحانه و تعالی گروه گروه و دسته دسته وارد شوند و در چشم‌شان غیر از این مسئولیت بزرگ و دعوت، تمامی اشیاء بی‌اهمیت گردیده بودند.

اما قربانی نمودن مال: الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿ إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تَجْرَةً لِنِ تَبَوُّرَ لِيُؤْفِقِيَهُمْ أَجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُمْ مِّنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ ﴾

[فاطر: ۲۹]

**ترجمه:** کسانی که کتاب الله (سبحانه و تعالی) را می‌خوانند و نماز را برپا می‌دارند و از چیزهایی که برای‌شان داده‌ایم، پنهان و آشکارا در راه الله (سبحانه و تعالی) انفاق می‌کنند و چشم امید به تجارتی بسته‌اند که هرگز زیان ندارد تا الله (سبحانه و تعالی) اجرشان را به تمام و کمال بدهد و از فضل خود برای آن‌ها بیفزاید چرا که الله (سبحانه و تعالی) آمرزنده و سپاس‌گذار است.

و نیز می‌فرماید:

﴿ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴾

[بقره: ۲۷۲]

**ترجمه:** کسانی که دارائی خود را شب و روز به گونه پنهان و آشکار به خرج می‌رسانند، مزدشان نزد پروردگارشان (محفوظ) است و نه ترسی بر آنان است و نه ایشان اندوهگین خواهند شد.

و در جای دیگری از قرآن کریم می‌فرماید:

﴿ مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضْعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَسِعَ عَلِيمٌ ﴾

[بقره: ۲۶۱]

**ترجمه:** مثل کسانی که دارائی خود را در راه الله (سبحانه و تعالی) صرف می‌کنند، همانند دانه‌ای است که به هفت خوشه برویاند که در هر خوشه صد دانه باشد و الله (سبحانه و تعالی) برای کسی که بخواهد آن را چندین برابر می‌کند، الله (سبحانه و تعالی) قدرت و نعمت‌اش فراخ و (از همه چیز) آگاه است.

از این‌رو، آیاتی که تشویق به انفاق در راه الله سبحانه و تعالی می‌کند، بسیار است. هم‌چنان احادیث رسول الله صلی الله علیه و سلم پیرامون تشویق بر انفاق در راه الله متعال زیاد است؛ چنانچه او صلی الله علیه و سلم می‌فرماید:

«ما من يوم يصبح العباد فيه إلا ملكان ينزلان، يقول أحدهما: اللهم أعط منفقاً خلفاً، ويقول الآخر: اللهم أعط ممسكاً تلفاً»

(رواه بخاری)

**ترجمه:** هر روز صبحی که بندگان آغاز می‌کنند، دو ملائکه فرود می‌آیند، یکی از آن‌ها می‌گوید: یا الله! برای کسی که انفاق می‌کند، عوض بده و دیگرش می‌گوید: برای بخیل و کسی که از انفاق کردن خودداری می‌کند، خسارت و زیان بده.

و نیز می‌فرماید:

«قال الله: أنفق يا ابن آدم أنفق عليك»

(رواه بخاری و مسلم)

**ترجمه:** الله (متعال) فرموده است: ای فرزند آدم! انفاق کن من بر تو انفاق خواهم کرد.

اصحاب رضی الله عنهم این مفاهیم را به طور درست می‌فهمیدند و به آن عمل می‌کردند؛ چرا که نگرش و موضع آن‌ها مناره‌ی ست که باعث هدایت کسانی می‌شود که راه آنان را می‌پیمایند؛ به طور مثال: حضرت ابو بکر صدیق رضی الله عنه تمام دارائی خود را به حضور رسول الله صلی الله علیه وسلم آورد؛ سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم از وی پرسید: «برای خانواده‌ات چه چیزی را مانده‌ای؟» گفت: «الله و رسول‌اش را برای‌شان گذاشته‌ام.» حضرت عثمان رضی الله عنه ارتش مسلمانان را که در حالت وخیم به سر می‌بردند، تجهیز نمود تا این که وی صلی الله علیه وسلم در مورد حضرت عثمان ابن عفان گفت:

«ما ضر عثمان ما فعل بعد اليوم»

**ترجمه:** بعد از این عثمان هرچه انجام دهد به او ضرری نخواهد رساند.

هم‌چنان حضرت عثمان رضی الله عنه در مدینه چاه آب را از یهودیان خرید و وقف مسلمانان نمود. حضرت ابو طلحه رضی الله عنه هنگامی که این قول الله سبحانه و تعالی را شنید:

﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾

[آل عمران: 92]

**ترجمه:** به نیکوکاری (کاملی که جویای آن هستید و مورد پسند الله سبحانه و تعالی است) نمی‌رسید تا از آنچه دوست دارید، انفاق (بخشش) نکنید و هر چیزی را که انفاق کنید، الله (سبحانه و تعالی) به آن آگاه است.

محبوب‌ترین مال خود را در بیرحاء (زمینی در مدینه) وقف مسلمانان کرده و به حضور رسول الله صلی الله علیه وسلم تقدیم نمود تا این که وی صلی الله علیه وسلم هر قسمی که خواسته باشد، از آن استفاده نماید. حضرت صهیب رضی الله عنه برای این که به رسول الله صلی الله علیه وسلم در مدینه ملحق شود، تمام مال و دارائی خود را ترک نمود.

اصحاب کرام در باب بخشش، فداکاری، قربانی کردن، انفاق نمودن در راه الله سبحانه و تعالی رقابت می نمودند و برای به دست آوردن این خیر حریص بودند؛ هر چند دارائی‌شان کم می بود؛ زیرا می دانستند و مطمئن بودند چیزی را که به مصرف می رسانند، برای‌شان نزد الله متعال باقی می ماند. از بس که در این مورد بی نهایت و شدیداً حریص بودند، فقرای اصحاب کرام به رسول الله صلی الله علیه و سلم شکایت می نمودند که چیزی برای صدقه دادن و انفاق نمودن در راه الله ندارند، حال آن که ثروت‌مندان در کسب اجر و ثواب از آن‌ها سبقت نموده اند. مسلم از ابو هریره رضی الله عنه روایت نموده است:

«أن فقراء المهاجرين أتوا رسول الله صلى الله عليه وسلم فقالوا: ذهب أهل الدثور بالدرجات العلی و النعیم المقیم، فقال: وما ذاك؟ قالوا يصلون كما نصلی، ویصومون كما نصوم، ویصدقون ولا نتصدق، ویعتقون ولا نعتق، فقال رسول الله صلى الله علیه وسلم أفلا أعلمکم شیئاً تدرکون به من سبقکم وتسبقون به من بعدکم؟ ولا یكون أحد أفضل منکم إلا من صنع مثل ما صنعتم، قالوا: بلی یا رسول الله، قال: تسبحون وتکبرون وتحمدون دبر کل صلاة ثلاثاً وثلاثین مرة»

*ترجمه: «فقرای مهاجرین نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمده و گفتند: ثروت‌مندان و اغنیاء مراتب بلند و بهشتی را که در آن نعمت‌های جاویدانه است، از آن خود نموده اند. گفت: یعنی چه؟ اصحاب کرام گفتند: نماز می خوانند، همان طوری که ما نماز می خوانیم، روزه می گیرند، طوری که ما روزه می گیریم، آن‌ها صدقه می دهند و ما صدقه نمی دهیم، آن‌ها برده‌ها را آزاد می کنند و ما برده‌ها را آزاد نمی کنیم، رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت: آیا برای شما چیزی را تعلیم ندهم کسانی را که از شما پیشی گرفته اند، دریابید و از پسینیان (کسانی که بعد از شما می آیند) پیشی بگیرید؟ و هیچ کسی بهتر از شما نباشد؛ مگر کسی که آن چه را شما انجام دهید، آن‌ها نیز انجام دهند؛ گفتند: چرا نه! فرمود: بعد از هر نماز، سی و سه بار سبحان الله، سی و سه بار الله اکبر و سی و سه بار الحمد لله بگوئید.*

بدون شک، عادت نمودن حامل دعوت به تقدیم مال و دارائی‌اش -هر چند کم باشد- در حالت فقر و نیازمندی و به طور خاص در وقت سختی‌ها و بحران‌ها، که در چنین اوقات نیازمندی‌های دعوت بیشتر می گردد، به قربانی‌های بیشتری نیاز دارد که با این کار، حامل دعوت نفس خود را صیقل داده و آن را از وابستگی به دنیا پاک می گرداند؛ زیرا دریچه انفاق بر دعوت، مجد و عزت مسلمانان را بازگردانیده و آن‌ها را دوباره رهبر و سرور دنیا می گرداند و از بهترین و با فضیلت‌ترین باب خیر و به-اذن الله متعال -جامع همه خیر و نیکی‌هاست.

قربانی کردن وقت: چنانچه بر حامل دعوت لازم است که جزئی از وقت شب و روز خود را به دعوت تخصیص دهد و باید بهترین وقت خود را برای ادای امانتی که حمل آن مسئولیت‌اش است و بدان ایمان دارد که این یگانه راه نجات امت از زندگی تنگ، از دوری از الله سبحانه و تعالی و از تسلط دشمنان است. حامل دعوت باید بهترین وقت خودش را قربانی دعوت‌اش نماید و دعوت را در رأس

اولویات و محور زندگی‌اش قرار دهد و در عقب این کار خواستار رضایت الله سبحانه و تعالی باشد؛ هم‌چنان آرامش و خواب خود را قربانی نماید و گاه برای حمل دعوت پروردگارش، جزئی از وقت کارش را قربانی نماید و بدان ایمان داشته باشد که الله متعال این قربانی‌هایش را به روزی که نه مال و دارائی نفع می‌رساند و نه فرزندان و عیال، ذخیره می‌نماید و نیز این‌که در تمامی اعمال و وقت‌هایش برکت می‌افکند و هم‌چنان در رزقش و یقین داشته باشد که رزق مقررش برایش خواهد رسید و اگر ۲۰ ساعت کار کند یا ۸ ساعت یا کم‌تر از آن و یا بیشتر از آن، به اندازه ذره غبار از رزقش کم نخواهد شد؛ چرا که رزق تقسیم و تعیین شده است و قبل از به دست آوردن رزقش هرگز نمی‌میرد.

این ایمان چیزی است که باعث می‌گردد حامل دعوت در تمامی ساعات روز، هر جا که باشد و یا هر جا که سفر نماید؛ چه در مکان کار باشد یا در خانه میان خانواده و فرزندانش یا با همسایه‌گان خود باشد و یا در منطقه و قریه‌اش، دعوت خود را حمل می‌نماید و امر به معروف و نهی از منکر می‌کند؛ هم‌چنان وقتش را میان کارش و درس ثقافت تمرکز شده و با عمومی (حلقات تثقیفی و مجالس عمومی) تنظیم می‌کند و به دیدارهای مطلوب می‌پردازد و هر چیزی که حمل دعوت خواستار آن باشد، انجام می‌دهد.

چنانچه او برای انجام تکلیف و مسئولیت‌اش بدون تردد و بدون درنگ، همیشه آماده می‌باشد. حامل دعوت صاحب همت والا، ثابت‌قدم و پرشور و حماسه‌آفرین می‌باشد و در کنار این، قلب مهربانی در قبال مردم دارد، برای آن‌ها خیر و نیکی را دوست داشته و بر منفعت و مصلحت‌شان حریص می‌باشد؛ حریص بر آنند که آن‌ها را از حالتی که الله سبحانه و تعالی را ناراض می‌گرداند، به حالتی که او سبحانه و تعالی را راضی گرداند، منتقل سازند و چیزی را که برای خود می‌پسندند-فهم، دیدگاه و فکری را که الله سبحانه و تعالی برایش عطا نموده است- برای آن‌ها نیز می‌پسندد.

ساعات و دقائقی که در این دنیا زندگی می‌کنیم، در حقیقت عمر مان است؛ باید با طاعت الله سبحانه و تعالی و با چیزی که وی سبحانه و تعالی را راضی می‌سازد، پر بسازیم؛ نه این‌که برای ضایع ساختن آن با لهو و بازی‌ها، هرچند که مباح باشد یا با غفلت و بی‌پروایی از چیزهایی که الله سبحانه و تعالی بر ما واجب گردانیده است، بکوشیم. باید هر انسان و علی‌الخصوص حامل دعوت، برای این‌که خود را محاسبه نماید، برنامه‌ها و کارهای روزانه خود را تنظیم نماید؛ اگر تقصیر و کوتاهی داشته باشد، قبل از این‌که محاسبه گردد، خود را محاسبه نماید.

جبران نمودن تقصیر و کوتاهی در دنیا ممکن است و انسان توانائی آن را دارد؛ اما در آخرت هیچ عمل و کاری نیست؛ بلکه ندامت بر تقصیر و حسرت خوردن است که آن وقت ندامت سودی ندارد. ابو برزه نضله از عبید الاسلمی رضی الله عنه روایت نموده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است:

«لا تزول قدما عبد يوم القيامة حتى يسأل عن أربع: عمره فيم أفناه؟ وعن علمه فيم فعل؟ وعن ماله من أين اكتسبه؟

وفيم أنفقه؟ وعن جسمه فيم أبلاه»

(رواه ترمذی)

**ترجمه:** روز قیامت هیچ بنده‌ای از جای خود تکان نمی‌خورد تا آن‌که از چهار چیز پرسیده نشود: از عمرش که در چه چیزی سپری کرده؟ از علم/اش که با آن چه کرده؟ از مال و دارائی‌اش که از کجا به دست آورده است؟ و از جسم و بدنش که در چه چیزی فرسوده کرده است؟

از حضرت ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم به مردی که برایش وعظ و نصیحت می‌کرد، فرمود:

«اغتنم خمساً قبل خمس: شبابك قبل هرمك، وصحتك قبل سقمك، وغناك قبل فقرك، و فراغك قبل شغلك، وحياتك قبل موتك»

(رواه حاکم بالمستدرک)

**ترجمه:** پنج چیز را پیش از پنج چیز غنیمت بشمار: جوانی‌ات را قبل از پیری؛ صحت‌مندی‌ات را قبل از مریضی؛ ثروت‌مندی‌ات را قبل از فقر؛ بیکاری‌ات را قبل از مشغول بودن و زندگی‌ات را قبل از مرگ!

و چیزی که قابل درک و محسوس است، این است که الله سبحانه و تعالی در اوقات علمای صادق برکت افکنده است؛ زیرا آنان چیزی را انجام داده است که تصور آن در حساب‌های مادی مشکل است و در اقوال، افعال و کتاب‌های‌شان برکت نهفته است؛ چون به اندازه‌ای نافع و تأثیرگذار واقع گردیده است که در اذهان‌شان خطور نکرده بود؛ چه رسد به این‌که در اذهان سائر مردم خطور می‌کرد؛ چون یگانه دلیل‌اش این است که آن‌ها بخش اعظمی وقت‌شان را قربانی نموده بودند.

پس نتایج، پیامدها، منافع و هدایتی که از تمام انواع این قربانی‌ها و تلاش‌هایی که به خرج می‌دهند، به بار می‌آید و در ذهن صاحب آن خطور نمی‌کند و تداوم آن را فقط الله سبحانه و تعالی می‌داند. مصداق حدیث ذیل پیامبر صلی الله علیه وسلم که می‌گوید: «کسی که به سوی هدایت فراخواند، اجری کسی را کسب می‌کند که از وی پیروی کرده است و از اجر او کاسته نمی‌شود.» از حضرت ابو هریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود:

«مَنْ دَلَّ عَلَى خَيْرٍ فَلَهُ مِثْلُ أَجْرِ فَاعِلِهِ»

**ترجمه:** کسی که به کار خیر رهنمائی کند، پاداش او همانند پاداش فاعل خیر می‌باشد.

و پیامبر صلی الله علیه وسلم در روز فتح خیبر به حضرت علی رضی الله عنه در حدیث طولانی فرمود:

«...فوالله، لأن يهدي الله بك رجلاً واحداً خير لك من أن يكون لك حمر النعم.»

**ترجمه:** ... قسم به الله! این‌که الله (متعال) به واسطه‌ات یک شخص را هدایت نماید، برای تو بهتر از داشتن شتر سرخ است.

و این فضیلت مخصوص حضرت علی رضی الله عنه نبوده؛ بلکه برای تمام امت پیامبر صلی الله علیه وسلم عام است و در اخیر باید گفت: مادامی که دعوت با تقدیم قربانی‌ها به پیش می‌رود، هریک از حاملین دعوت تکلیف و واجبات خود را باید فهمیده باشد.

یا الله! ما را خوش ادراکی، شایستگی، سخن و عمل نیک نصیب فرما و ما را از زمره کسانی بگردان که سخنان را می‌شنوند و از سخنان نیکو پیروی می‌کنند. ای پروردگار بزرگوار و گرامی! ما را کلیدهای خیر و قفل‌های شر بگردان و به فضل و کرمات، با برپایی خلافت راشده بر منهج نبوت بر ما منت گذار.

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و علی آله و صحبه أجمعین.

برگرفته از مجله الوعی-شماره: ۳۸۷

ربیع الثانی ۱۴۴۰هـ.ق

دسامبر ۲۰۱۸م